



پرچم افراشته

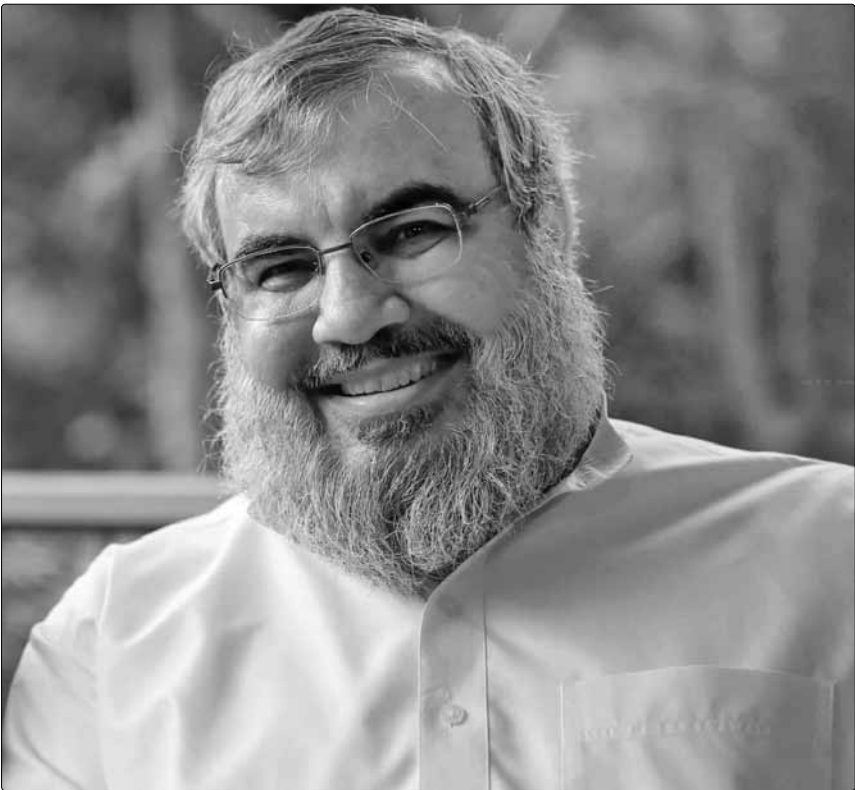
حزب‌الله پر کرده بود و تلاش می‌کرد شیرازه سیاسی حزب‌الله را از هم بپاشاند. با این حال بعد از انتخاب دبیر کل جدید حزب‌الله، شیخ نعیم قاسم و سخنرانی ایشان، گویی روند سیاسی در لبنان دچار تغییرات اساسی شد.ایجاد یک روح جدید بر کادر رهبری حزب‌الله و سخنرانی شیخ نعیم قاسم سبب شد برخی رسانه‌های غربی اذعان کنند «شیخ نعیم قاسم بهترین انتخاب برای جانشینی سیدحسن نصرالله بوده است». بعد از سخنرانی‌های شیخ قاسم این فضا به رسانه‌های عربی نیز تسری یافت. روزنامه رای‌الیوم در این خصوص نوشت: «شیخ نعیم قاسم به سبک شهید سیدحسن نصرالله، اسرائیلی‌ها را خطاب قرار داد و از روش شهید نصرالله برای ایجاد و تدوام نگرانی در میان اشغالگران استفاده کرد. شیخ نعیم قاسم از صلابت حزب‌الله با وجود حملات شددید به آن سخن راند و اعلام کرد حزب‌الله توان خود را احیا کرده است.» بنابراین به رغم تصور رژیم اسرائیل مبنی براینکه شهادت آیت‌الله نصرالله سبب خواهد شد تاثیر حزب‌الله در تحولات سیاسی لبنان از بین برود، اگرچه این اتفاق برای مقاومت لبنان خسارت‌بار بود اما ظرف یک ماه مقاومت توانست وضعیت سیاسی خود را بازیابی کند و ضمن کسب اعتماد به نفس سیاسی دوباره، توانست توازن سیاسی خود را هم در لبنان و هم در مواجهه با رژیم اسرائیل به دست آورد.

۵- **توان رزم حزب‌الله**

حزب‌الله همچنین در روزهای بعد از شهادت نصرالله از نظر نظامی نیز صحنه نبرد را رها نکرده است. به تعبیر «پژالدوری» کارشناس نظامی «حزب‌الله توازن تاکتیکی و عملیاتی خود را بازسازی کرده است.» ۲ یگان «صمر» و «عزیز» وابسته به حزب‌الله، مأموریت مدیریت دفاع در منطقه جنوب رودخانه لیتانی را با کارایی بر عهده دارند. این کارشناس امور استراتژیک خاطر نشان کرد حزب‌الله با نمایش پایگاه «عماد۵» قصد داشته دیدگاهی مشخص درباره استفاده از موشک‌های پیشرفته ارائه دهد و این اقدام را «مظهری از بازسازی توازن» دانست. انتشار ویدئوی حزب‌الله از تانسباتز یک پرتاب موشک «عماد ۵»، انتشار تصاویر از موقعیت‌های زیرزمینی و تاسیسات دیگر حزب‌الله، به همراه اظهار نگرانی‌های رژیم اسرائیل از «پهپادهای حزب‌الله» از جمله دیگر مواردی است که نشان‌دهنده بازیابی توان رزم حزب‌الله است. در هر یک از حملات گسترده حزب‌الله به رژیم اسرائیل (۳ میلیون شهرک‌نشین صهیونیست وادار به پناه بردن به پناهگاه‌ها می‌شوند». به این موضوع می‌توان توانایی اطلاعاتی حزب‌الله را نیز افزود. حزب‌الله توانسته از پهپادهای خود برای نفوذ به اعماق استراتژیک اسرائیل استفاده کند و «بانک اطلاعات» گسترده‌ای را جمع‌آوری کند. بسیاری از صنایع نظامی اسرائیل را هدف قرار داده و به گفته الدوری پایه‌های اطلاعاتی - نظامی «گیلیوت»، «لماخیم»، «شراکات»، «سنست جین» (شمال عکا، «سگاف» (شمال شرق حیفا)، «امات دیود» (جنوب شرق حیفا) و «روفولون (صنایع نظامی)» (شمال حیفا) را هدف قرار داده است.

۶- **تشدید آتش انتقام در حزب‌الله**

شهادت آیت‌الله سیدحسن نصرالله همچنین سبب شد نبرد نظامی ۲ طرف (مقاومت و رژیم اسرائیل)، ابعاد ایدئولوژیک‌تری هم به خود بگیرد. مبارزان جوان اینک با یاد و خاطر اسطوره مقاومت و رهبر شهید خود مبارزه می‌کنند و این آتش انتقام را فزونی بخشیده است. بنابراین شهادت نصرالله اگرچه خسارت بزرگی برای جبهه مقاومت بود، موضوعی که بسادگی قابل جبران نخواهد بود اما توانسته توازن سیاسی و نظامی را به نفع اسرائیل تغییر دهد. برخلاف اظهارات نتانیاهو مبنی بر اینکه حذف نصرالله باعث ترغیب بازگشت آوارگان شمال اسرائیل به خانه‌های‌شان می‌شود، شهادت نصرالله نه تنها توانست مناطق شمال را «امن» نگه دارد تا ۱۰۰ هزار ساکن شمال سرزمین‌های اشغالی به خانه‌های خود بازگردند، بلکه قدرت رزم حزب‌الله را فزونی هم بخشید و حالا با هر حمله گسترده حزب‌الله ۲ میلیون صهیونیست مجبور به ترک خانه‌های غصبی و رفتن به سمت پناهگاه می‌شوند. در عین حال شهادت نصرالله آتش انتقام را در محور مقاومت شعله‌ور تر کرده است. همان‌طور که داغ از دست دادن سردار شهید سپهبد حاج‌قاسم سلیمانی هیچ گاه التیام نمی‌یابد، برای لبنانی‌ها هم داغ شهادت رهبر شان از یاد نخواهد رفت و انگیزه نبردهای بعدی خواهد شد. پرچم حزب‌الله و تصویر رهبر شهید آن هنوز هم در جنوب لبنان بر افراشته است و کابوس اسرائیلی‌هاست.



رضا رحمتی: ۴۰ روز از شهادت سیدحسن نصرالله می‌گذرد و حزب‌الله کماکان در حال نبرد با اسرائیل است. بعداز شهادت سیدحسن نصرالله،نتانیاهو با سرمستی خود را به دوربین رساند و اعلام کرد. حذف نصرالله باعث ترغیب بازگشت آوارگان صهیونیست به خانه‌های خود در شمال اسرائیل می‌شود اما آیا اسرائیل بعد از شهادت سید مقاومت به اهداف خود در صحنه نبرد رسیده است؟

۱- **شهادت نصرالله**

حمله به ضاحیه جنوبی بیروت در روز ۶ مهر ۱۴۰۳ که منجر به شهادت و زخمی شدن صدها نفر از جمله چند زن و کودک شد، خبری شوکه‌کننده را به خروجی رسانه‌ها مخابره کرد؛ شهادت سیدحسن نصرالله. این چندمین بار بود که اسرائیل رهبر حزب‌الله لبنان را مورد سوء قصد قرار می‌داد. سال‌های ۲۰۰۴، ۲۰۰۶ و ۲۰۱۱ نیز نیروهای اسرائیل تلاش کرده بودند سید مقاومت را به شهادت برسانند. شهادت نصرالله اگر چه ضایعه بزرگی برای محور مقاومت بود و جبران این فقدان بسادگی امکان‌پذیر نخواهد بود اما از نظر استراتژیک و وضعیت سیاسی و نظامی نبرد با اسرائیل، اینک که ۴۰ روز از این اتفاق می‌گذرد، باید دید آیا آنچه اسرائیل و نتانیاهو در سخنرانی بعد از شهادت نصرالله گفتند، جامه عمل پوشیده است یا خیر؟

۲- **تاخیر در پاسخ متناسب به اسرائیل، زمینه شهادت نصرالله؟**

آیا شهادت نصرالله حاصل تاخیر در پاسخ ایران به اقدامات تجاوزکارانه مکرر اسرائیل بود؟ آیا اگر عملیات «وعده صادق ۲» زودتر انجام می‌شد، شاهد شهادت نصرالله نبودیم؟ آیا همان‌طور که یزشکیان رئیس‌جمهور گفت، اگر «دعاهای سران آمریکا و کشورهای اروپایی که در ازای عدم پاسخ ایران به ترور شهید هنیه وعده آتش‌بس می‌دادند، تماما دروغ بود و فرصت دادن به چنین جنایتکاری صرفا آنها را در ارتکاب جنایات بیشتر جری‌تر خواهد کرد». مورد پذیرش قرار نمی‌گرفت و پاسخ بموقع به شهادت هنیه داده می‌شد و ایران به هیچ‌وجه و «آتش‌بس در غزه» امید نمی‌یست، اسرائیل با محاسبه دقیق از نیت و اراده ایران و بازگشت عوامل بازدارندگی، به این اقدام دست نمی‌زد؟ اینها پرسش‌هایی است که بخش زیادی از آنها بی‌پاسخ باقی خواهد ماند.

۳- **وضعیت جبهه مقاومت**

نتانیاهو بعد از شهادت آیت‌الله نصرالله و به‌زعم خودش با خطاب قرار دادن «مردم ایران» گفته بود: «هروسک‌های رژیم ایران یکی پس از دیگری از بین می‌روند. به سرنوشت محمد ضیف (رهبر نظامی حماس) و حسن نصرالله (رهبر حزب‌الله) نگاهی ببندایزد. هیچ جایی در خاورمیانه نیست که دست اسرائیل به آن نرسد و ما برای حفاظت از شهروندان‌مان به هر جا خواهیم رفت». منظور او از این جمله ک «هیچ جایی در خاورمیانه نیست که دست اسرائیل به آن نرسد». تهدید مستقیم مقامات ایران بود. اسرائیل تا حدی سلاح تولید خشونت را بالا برده بود که برخی رسانه‌های وابسته به اسرائیل مستقیما مقامات عالی ایران از جمله رهبر انقلاب را تهدید به شهادت می‌کردند. در روزهای نخست بعد از شهادت آیت‌الله سیدحسن نصرالله، حتی جبهه مقاومت متاثر از فقدان رهبر مقاومت لبنان قرار گرفته بود. به مرور اما اعتماد به نفس در محور مقاومت ایجاد شد و انتخاب جانشین سیدحسن نصرالله، یعنی شیخ نعیم قاسم، دوباره سیستم سیاسی و سازمان رزم حزب‌الله را تقویت کرد.

۴- **توان سیاسی حزب‌الله**

تاثیر حزب‌الله با درایت رهبر شهیدش که یکی از مهم‌ترین نیروهای تاثیرگذار سیاسی در صحنه سیاسی لبنان به شمار می‌رفت، بر معادلات سیاسی لبنان و تلاش برای ایجاد یک دولت متمرکز قوی، دستگه قانونگذاری و .. در صحنه سیاسی لبنان دستاوردهای کمتری نسبت به توان رزم حزب‌الله نبود. یکی از مسائلی که بعد از شهادت نصرالله اتفاق افتاد، بیم تضعیف جایگاه سیاسی حزب‌الله بود. بعد از شهادت نصرالله، با فضاسازی رسانه‌های عربی کشورهای حاشیه خلیج فارس و رسانه‌های غربی تلاش می‌شد اینگونه وانمود شود حزب‌الله به پایان عمر سیاسی خود رسیده است و دیگر جایی در صحنه سیاسی لبنان ندارد. به همین دلیل برخی مقامات لبنانی با ادامه نبرد نظامی حزب‌الله با اسرائیل به مخالفت پرداختند و دائم صحبت از دور شدن نیروهای رزم حزب‌الله از رودخانه لیتانی می‌کردند. این موضوع حتی بعد از شهادت سید نصرالله اتفاق افتاد، بیم تضعیف جایگاه سیاسی حزب‌الله بود.

خوشایند است و امیدوارم در سال ۲۰۰۰ و تاوتومی کتاری نهاده شده و مقابله با راس محور مقاومت (جمهوری اسلامی ایران) و بازوهای قدرتمند آن نظیر حزب‌الله در دستور کار هیات حاکمه رژیم صهیونیستی قرار گرفته است؛ امری که به واسطه فقدان تاب‌آوری جامعه اسرائیل، محدودیت‌های ژئوپلیتیک، مشکلات تل آویو با همسایگان و نبود راه‌حلی مناسب در قبال ۵ میلیون فلسطینی ساکن در کرانه باختری و نوار غزه و ۶ میلیون آواره فلسطینی در کشورهای همسایه، رژیم صهیونیستی را در مسیری بی‌بازگشت و باتلاق گونه قرار داده است.

تجربه تاریخی ناموفق حضور نظامی صهیونیست‌ها در جنوب لبنان پس از حمله ۱۹۸۲ این رژیم به بیروت و خروج مفتضخانه و یکطرفه ارتش صهیونیستی از جنوب در سال ۲۰۰۰ و ناتوانی این رژیم در حذف هسته‌های مقاومت در باریکه غزه، بصرهغ و ویرانی این منطقه، بیانگر یک مساله بنیادین است و آن اینکه فرآغ از حذف جمع کثیری از رهبران برجسته مقاومت در خلال دهه‌های اخیر نظیر شهیدان شیخ احمد یاسین، فتحی شقافی، عبدالعزیز زنتیسی، سیدعباس موسوی، عماد مغنیه و هم‌اکنون سیدحسن نصرالله، اسماعیل هنیه، سیدهاشم صفی‌الدین و یحیی سننور و خسران فقدان آنان، مقاومت در برابر اشغالگر متکی به کاربزمای شخصی رهبران نبوده و ایدئولوژیی مقابله با دشمن غاصب با گوشه، پوست و استخوان فلسطینیان و لبنانی‌ها عجین شده و با شدت و حدت هرچه تمام‌تر به مسیر خویش ادامه خواهد داد.

روح سید مقاومت در کالبد رزمندگان مقاومت به مناسبت چهلمین روز شهادت سیدحسن نصرالله

که تاکنون به شهادت دهها هزار کودک و زن غیرنظامی منتهی شده، رسوایی بزرگی را برای صهیونیست‌ها نزد افکار عمومی جامعه بین‌الملل رقم زده است. بی‌اعتنایی رهبران تل آویو به هشدار نهادهای حقوق بشری تا بدان جا پیش رفته که دشمن صهیونیست در جدیدترین اقدام خویش نته‌تانه ورود دبیرکل سازمان ملل متحد به سرزمین‌های اشغالی را ممنوع کرده، بلکه به سازمان مللداردسانی به آوارگان این سازمان در فلسطین موسوم به آنرا مهلتی ۳ ماهه جهت خروج از باریکه غزه و کرانه باختری داده است، امری که به تعبیر جوزف بورل، مسؤول سیاست خارجی اتحادیه اروپایی، باریکه غزه را به بزرگ‌ترین قبرستان جهان تبدیل خواهد کرد.

دکترین نظامی رژیم اسرائیل از فردای پس از هفتم اکتبر ۲۰۲۳ چرخشی کاملا متفاوت با سیاست نظامی ۷۵ ساله این رژیم داشت. معانعت از فرسایشی شدن جنگ به دلیل محوورتی‌های جغرافیایی، توسل به نبردهای برق‌آسا پیشگیری از وقوع جنگ در چند جبهه و جلب نظر مسئاعد قدرت‌های بین‌المللی و افکار عمومی به عنوان عوامل کلیدی در اتخاذ سیاست نظامی اسرائیل به دلیل خطای محاسباتی نتانیاهو به کناری نهاده شده و رژیم اسرائیل را بی‌محبا وارد نژاعی فراگیر، چندوجهی و بی‌انتهای کرده است. به واقع سیاست هزار خنجر نفتالی بنت، نخست‌وزیر پیشین در دوره پس از هفتم اکتبر به کناری نهاده شده و مقابله با راس محور مقاومت (جمهوری اسلامی ایران) و بازوهای قدرتمند آن نظیر حزب‌الله در دستور کار هیات حاکمه رژیم صهیونیستی قرار گرفته است؛ امری که به واسطه فقدان تاب‌آوری جامعه اسرائیل، محدودیت‌های ژئوپلیتیک، مشکلات تل آویو با همسایگان و نبود راه‌حلی مناسب در قبال ۵ میلیون فلسطینی ساکن در کرانه باختری و نوار غزه و ۶ میلیون آواره فلسطینی در کشورهای همسایه، رژیم صهیونیستی را در مسیری بی‌بازگشت و باتلاق گونه قرار داده است.

تجربه تاریخی ناموفق حضور نظامی صهیونیست‌ها در جنوب لبنان پس از حمله ۱۹۸۲ این رژیم به بیروت و خروج مفتضخانه و یکطرفه ارتش صهیونیستی از جنوب در سال ۲۰۰۰ و ناتوانی این رژیم در حذف هسته‌های مقاومت در باریکه غزه، بصرهغ و ویرانی این منطقه، بیانگر یک مساله بنیادین است و آن اینکه فرآغ از حذف جمع کثیری از رهبران برجسته مقاومت در خلال دهه‌های اخیر نظیر شهیدان شیخ احمد یاسین، فتحی شقافی، عبدالعزیز زنتیسی، سیدعباس موسوی، عماد مغنیه و هم‌اکنون سیدحسن نصرالله، اسماعیل هنیه، سیدهاشم صفی‌الدین و یحیی سننور و خسران فقدان آنان، مقاومت در برابر اشغالگر متکی به کاربزمای شخصی رهبران نبوده و ایدئولوژیی مقابله با دشمن غاصب با گوشه، پوست و استخوان فلسطینیان و لبنانی‌ها عجین شده و با شدت و حدت هرچه تمام‌تر به مسیر خویش ادامه خواهد داد.

آن به کرانه باختری و به میان اعراب دارای تابعیت اسرائیل موسوم به اعراب ۱۹۴۸ کشیده شده است، معضل بقا و زیست مسالمت‌آمیز را برای سکنه سرزمین‌های اشغالی بیش از پیش به چالشی عظیم مبدل کرده و هیات حاکمه رژیم صهیونیستی جهت گریز از مهلکه، نه‌تنها چاره‌جویی نکرده، بلکه با اتکا به احزاب راست‌گرا و ارتدکس قومی – مذهبی و باورمند به اندیشه‌های موعودگرایانه، پا در مسیری بی‌بازگشت نهاده تا بدان جا که ایهود اولمرت، نخست‌وزیر پیشین این رژیم در اظهار نظری، ایران، حزب‌الله و دیگر ارکان مقاومت را دشمن بقای رژیم صهیونیستی ندانسته و تدوام سیاست‌های افراطی نتانیاهو و متحدان او را تهدید کلان و بالقوه جامعه صهیونیست قلمداد کرده است.

جبهه مقاومت اگرچه امروز در سوگ رهبران سترگی همچون آیت‌الله سیدحسن نصرالله، علامه سیدهاشم صفی‌الدین، دکتر اسماعیل هنیه و یحیی سنوار نشسته و شاهد سرکوب سفاکانه ساکنان بی دفاع جنوب لبنان و باریکه غزه است، لیکن خون‌های ریخته‌شده نه‌تنها بی‌ثمر نبوده، بلکه درخت پربار مقاومت را روز به روز مستحکم‌تر کرده است. از میان رفتن پروژه سازش میان اعراب و اسرائیل و معانعت از به حاشیه رانده شدن ابدی مساله فلسطین را می‌توان بزرگ‌ترین دستاورد خون شهیدانی چون سیدالشهدای مقاومت قلمداد کرد. با وجود سکوت مرگبار رهبران عرب در قبال جنایات صهیونیست‌ها در لبنان و فلسطین، سخن از برقراری سازش با دشمن صهیونیست با میانجی‌گری آمریکا و متحدانش به دلیل خشم موجود در میان افکار عمومی اعراب و مسلمانان برای مدت مدیدی به محاق رفته و عملا پروژه سازش را به حاشیه رانده است.

وحدت رویه و فکر حاکم در میان شیعیان و اهل سنت را می‌توان دستاورد بزرگ دیگر شهادت سیدالشهدای مقاومت قلمداد کرد. هیات حاکمه آمریکا، رژیم صهیونیستی و رهبران مرتجع عرب در خلال یک دهه اخیر بویژه پس از جنگ داخلی سوریه، کوشیده بودند حزب‌الله و جمهوری اسلامی را به پیشبرد سیاست‌های فرقه‌گرایانه در منطقه و سرکوب اهل سنت در عراق، سوریه و یمن متهم کنند. اکنون با پیشگامی حزب‌الله در دفاع از آرمان فلسطین و شهادت جمع وسیعی از رهبران معنوی این حزب در این مسیر مقدس، نقشه و توطئه رسانه‌های عبری – عربی جهت اشفاق در صفوف مسلمان نقشه بر آب شده و جمهوری اسلامی و محور مقاومت را در جایگاه بزرگ‌ترین حامی آرمان مقدس آزادی قدس شریف قرار داده است. از میان رفتن مشروعیّت‌بخشی به بقای رژیم صهیونیستی را که همواره و در طول دهه‌های تمدادی با ترسیم چهره‌های مظلوم از یهودیان در رسانه‌ها و افکار عمومی جهانی استوار بوده، می‌توان دستاورد بزرگ دیگری دانست که حاصل تدوام مقاومت در منطقه و خون شهیدانی چون سید عزیز مقاومت است. حملات بی‌امان ارتش صهیونیستی به غیرنظامیان لبنانی و فلسطینی

حزب‌الله، نیروی دفاع ملی

ملی دولت به مخاطره افتاده باشد، وظیفه دفاع در مقابل این اقدامات بر عهده ارتش‌های ملی گذاشته می‌شود. ارتش‌های ملی این وظیفه خود را به ۲ شکل انجام می‌دهند: الف- به نحو فصال و در میدان نبرد، ب- به نحو بالقوه و در زمانه صلح. انجام وظیفه در میدان نبرد معنای مشخصی دارد؛ مبارزه علیه نیروی متخاصمی که اصل حاکمیت دولت را به چالش کشیده؛ در محدوده مرزها یا در جایی دور از مرزهای سرزمینی. ارتش‌های ملی همچنین در زمان صلح در زمینه شناسایی تهدیدها، حفظ آمادگی رزمی و افزایش توان مادی نظامی خود وظایفی را که در قبال دولت دارند انجام می‌دهند. موضوع مهمی که در هر ۲ زمینه باید به آن توجه کرد، آن است که سازمان‌های حرفه‌ای نظامی در سطح ملی که در اینجا از آنها صحبت می‌کنیم، فعالیت‌های زمان صلح یا جنگ خودشان را به اعتبار مفهوم ملت و در پیوند با ایده‌دولت ملی انجام می‌دهند. در غیاب اراده سیاسی بالفعلی که وجه مشخصه دولت است، هر نیروی نظامی یا انتظامی دیگری صرفا یک گروه مسلح محلی حافظ نظم است.

■ **حزب‌الله لبنان و مساله دفاع ملی**

تا اینجا سعی کردم این موضوع را معلوم کنم که ارتش ملی اصولا عنوانی است که برای نیروهای نظامی حافظ دولت‌ها به کار می‌رود. همین‌طور این موضوع را معلوم کردم که دولت به شکل بنیادین با اراده سیاسی بالفعل یا بالقوه برای استفاده از سلاح در مقابل بازیگران خارجی به نام خود پیوسته است. اگر مجموعه گروه‌های مقاومت را در منطقه غرب آسیا به طور عام و نمونه حزب‌الله لبنان را به طور خاص در نظر بگیریم، می‌توانیم ادعا کنیم بر اساس این چارچوب مفهومی، همه این گروه‌ها را می‌توان به‌عننوان ارتش‌های ملی کشورهای خودشان در نظر گرفت. نیروهایی سازمان‌یافته، حرفه‌ای و مسلح که به نام مردم خودشان در مقابل انواع تجاوز به محدوده‌های مادی و معنوی خاصی که محتوا و حدود دولت‌های ایشان را معلوم می‌کند، با نیروهای خارجی می‌جنگند. این مساله را نمونه حزب‌الله لبنان



ابوالفضل ولایتی: غروب ششم مهر مصادف با ۲۷ سپتامبر را قلمداد کرد. روزی که در آن دشمن صهیونیست با توسل به سیاست داغ و درفش و با هدف از میان رفتن کادر رهبری مقاومت، سلسله حملاتی خونین را با اتکا به فرور یختن دهها تن بمب سنگر شکن در ضاحیه جنوبی بیروت مرتکب شد و سیدحسن نصرالله و رهبر پلامنانه حزب‌الله و جمعی از هم‌قطارانش را به شهادت رساند؛ نقطه عطفی که به زعم رهبران سیاسی رژیم صهیونیستی، پس از اقدام وسیع خرابکارانه ناشی از انفجار پیجرها در میان نیروهای حزب‌الله و از میان رفتن شیکه مخابراتی این حزب و همچنین ترور جمع وسیعی از نخبگان نظامی حزب‌الله نظیر شهیدان ابراهیم عقیل، و سام طویل، فؤاد شکر، احمد وهبی و سامی طالب عبدالله، به منزله گام آخر در راستای ریشه‌کنی مقاومت در لبنان بود تا از این رهگذر، به ۴ دهه بقای حزب‌الله در مرزهای شمال این رژیم جعلی خاتمه دهد.

اکنون جامعه اسلامی در حالی در سوگ چهلمین روز شهادت رهبر شجاع حزب‌الله نشسته که نه تنها مقاومت لبنان دچار استیصال نشده، بلکه به تعبیر رهبر معظم انقلاب، شهید سیدحسن نصرالله، اساسی را در لبنان پایه‌گذاری کرده و به دیگر مراکز مقاومت جهت بخشیده که با فقدان وی نه‌تنها خللی بر آن وارد نشده، بلکه استحکام بیشتری نیز یافته است.

پیشروی بسیاری محدود نظامیان صهیونیست در جنوب لبنان، توأمان با ضربات مهلک وارده انسانی و لجستیکی به ارتش صهیونیستی در کنار تشدید بهره‌گیری حزب‌الله از ادوات موشکی و پهپادی جهت هدف‌گیری مراکز در عمق راهبردی سرزمین‌های اشغالی و نهایتا انتخاب رهبری پرآوازه جهت سکان‌داری حزب‌الله در روزهای اخیر، به وضوح بیانگر ناکامی نتانیاهو و ارتش صهیونیستی در دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده نظیر بازگشت شهرک‌نشین‌های شمال سرزمین‌های اشغالی به منازل غصبی، عقب‌نشینی حزب‌الله به شمال لیتانی و نهایتا خلع سلاح حزب‌الله است. برآورد نزاع حاکم در لبنان گواه آن است که سیاست مشت آهنین نتانیاهو جهت تبدیل جنوب لبنان به سرزمینی سوخته و عبرت‌آموز در راستای ایجاد شکاف و اشفاق در میان شیعیان لبنان به واسطه حمایت از حزب‌الله و بهره‌برداری از گسست‌های قومی و مذهبی حکم بر جامعه چندپارده لبنان نه تنها تاکنون راه به جایی نبرده، بلکه زمینه باز شدن جبهه‌هایی جدید علیه دشمن صهیونیست را در منطقه فراهم کرده است. عملیات «وعده صادق ۲» جمهوری اسلامی در کنار حملات پراکنده نیروهای مقاومت عراق، یمن، سوریه و حتی عربستان، امروز رهبران تل آویسو را بیش از هر زمان در مضیقه و تنگنا قرار داده است.

تشدید دائمی در سرزمین‌های اشغالی که این روزها دامنه

حمیدملکزاده: پیش‌تر درباره عملیات توفان الاقصی نوشته بودم که فلسطین در مقام یک دولت ملی با توفان الاقصی به ظهور پیوسته و تثبیت شد. از این جهت توفان الاقصی لحظه تاسیس دوباره دولت فلسطین است؛ شخصیت حقوقی دولت‌ها تنها بعد از ظهور اراده‌ای سیاسی که به نام آنها می‌جنگد تاسیس می‌شود.

اگر این ادعای مرا به عنوان معیاری برای تشخیص آنچه سیاسی و ملی است، از آنچه غیرسیاسی است بپذیرید، آنگاه تصدیق خواهید کرد در نهایت ملت و امر ملی تنها در نبرد مستقیم، واقعی یا ممکن، با کسانی که این اراده سیاسی را به چالش می‌کشند به ظهور می‌رسد. احتمالا در همین راستاست که من فکر می‌کنم در تعریفی که از سیاست ارائه می‌کنیم باید مفهوم اداره را در جایی بیرون از آن قرار دهیم. اداره نسبت به سیاست وضعیت تبعی دارد، یعنی در زمره موضوعاتی قرار می‌گیرد که فرع بر ظهور امر سیاسی هستند. به عنوان آنچه در پی سیاست می‌آید، به آن مربوط می‌شود اما تنها به عنوان موضوعی پیوسته با سیاست فهمیده می‌شود. در این یادداشت تلاش می‌کنم وضعیت حزب‌الله لبنان به عنوان نماینده‌ای از همه نیروهای مقاومت در منطقه غرب آسیا و امر ملی را مورد بررسی قرار دهم.

■ **ارتش ملی با سازمان نظامی محلی؟**

مفهوم ارتش ملی بنا بر تعریف بر یک سازمان نظامی حرفه‌ای دلالت می‌کند که وظیفه پاسداری از تمامیت دولت در مقابل تهدید خارجی بر عهده آن قرار دارد؛ تهدیداتی که به طور ویژه در حدود صلاحیت‌های ارتش‌های ملی است. از آن جنس، تهدیدات نظامی وجودشناختی است که از مبدایی خارجی اصل و نفس قانونی، امنیت می‌آید، به‌اندازه آنچه در میان همه این تهدیدات مشترک است، به طور مشخصی به نفی صلاحیت‌های دولت مربوط می‌شود. یعنی هر بار یک بازیگر خارجی به نحوی عمل کند که صلاحیت‌های قانونی، سیاسی – امنیتی و در یک کلام صلاحیت‌های حقوقی و سیاسی ناشی از اصل حاکمیت